

دریای واردات پارچه

ذبح حکومتی نساجی این قدیمی ترین صنعت ایران

با واردات بی رویه منسوجات از کشورهای چین کارخانه های نساجی داخلی رو به تعطیلی و ورشکستگی رفتند و همینطور کارخانه هایی که زمانی صادر کننده پارچه بودند حتی قادر به تهیه و تامین حقوق کارگران خود نیستند. از طرفی فرسوده و مستهلک بودن ماشین آلات نساجی و استفاده نکردن و سرمایه گذاری نکردن در همین کارخانه ها باعث افت تولید شده است.

کارخانه هایی هم که دستگاه جدید را وارد خط تولید و کارخانه کرده اند برای به کار انداختن کارخانه مدتی به کارگران بیمه بیکاری داده و آنها را بیرون کرده اند. بعد از بازگشت به کار هم چون با وجود دستگاههای جدید با مازاد نیرو مواجه بودند پس کارگرانی را که سابقه بالاتری داشته اند به زور و اجبار یا با تحمیل بازخريد یا بازنشسته کرده اند ولی حتی حق سنوات را هم به آنها نداده اند و کارگر که ۲۳-۲۵-۳۰ سال را در کارخانه نساجی کار کرده است باید با گرفتن مبلغ ناچیزی دست از حق سالیان خود بردارد و به کار دیگری مشغول شود. آن هم در سنين پيري و كهولت.

اما وضع در همین نقطه باقی نمانده و همین کارگرانی که مشغول به کار هستند هم حقوق و مزایا خود را نمی گیرند و ماهیان حقوق و مزایا طلبکار هستند اما به خاطر خصوصی سازی و ... کسی نیست که به این مشکلات و شکایات رسیدگی کند و دست کارگر از همه کوتاه شده است.

در مواردی هم که با پشتکار و پیگیریها و مراجعات مکرر کارگران و شوراها مصوباتی تصویب شده است کسی وقعی به این مصوبات نمی گذارد و نقل انتقالات دستگاهها و فروش آنها انجام می شود یا با حربه های مختلف در پی این اقدام هستند. در مواردی هم که نمی توانند نقشه خود را محقق کنند دستگاهها را به بهانه فعال کردن شرکت کوچکتر به محل دیگری برده و بتدریج آنها را می فروشند و همین طور کارگران را هم اخراج می کنند.

هم اکنون نساجی در کل کشور از استانهای شمالی مثل نساجی قائمشهر و کلار و بهشهر و ... تا سیلک باف یزد و اقبال و گلنار رشت تا نساجی های شاهو در سمنان و ... در رکود و وضعیتی مشابه هستند. دیگر کسی حاضر به سرمایه گذاری در این صنعت عظیم نیست و کارگران فنی و اپراتور های دستگاهها برای تامین معاش خود و خانواده خود مجبور به ترك کار و کارهایی مانند بنایی و شالی کاری و روز مزدی نقاشی و عملگی هستند این هم در صورتی است که این کارگر جوان بوده و قدرت و توان فیزیکی کار سنگین را داشته باشد. کارخانه هایی هم که فعلا در حال کار هستند به خاطر تعدیل نیرو و اخراج و بازخریدها زمانهای شیف های کاری را از سه شیف به چهار شیف تبدیل کرده اند و کارگر دردمند با وجود کار سنگین در طول سال تعطیلی ندارد و تعطیلی های رسمی و هفتگی مثل جمعه و ایام اعیاد و هم باید به دور از خانه و خانواده کار کند حال حقوق همین ساعات کاری را بگیرد یا نه هم معلوم نیست. حال این کارگر امروز در این کارخانه کار کند یا فردا به بهانه ای اخراج شود باز هم معلوم نیست.

حال سؤال اصلی این است:

مگر قرار نبود که پول نفت سر سفره هاي کارگران آورده شود پس چرا نان خالي سر سفره ها هم برداشته شده و سفره تهي آنها تهي ترشده باشد؟ (خلاصه شده و نقل از نشریه کارگری "پویا")

راه توده ۱۴۹ - ۱۷,۰۹,۲۰۰۷